

الباب الرابع من الواحد الرابع في ان كل ذكر عبد رق له.

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الرابع من الواحد الرابع في ان كل ذكر عبد رق له.

ملخص این باب آنکه ارواح کل اشیاء راجع میگردد بهیکل انسانی و جنت کل اشیاء در جنت انسانی است که مثال آن این است که اگر قطعه الماس بلا مثلی در نزد مؤمنی باشد اعزاز آن الماس باعزازی است که بواسطه آن در نزد مؤمن ظاهر میگردد و همچنین کل شیء

و این هیکل راجع میگردد باسم و صفت اگر فؤاد او مدل علی الله است در ظل له الاسماء الحسنی عند الله ذکر میگردد و اگر از صفت است در صفات او ذکر میگردد این است علو معنی حدیث: "لیس الا الله و اسمائه و صفاته" و این هیکل حکم اسمیت و صفتیت بر او نمیگردد الا آنکه در نزد هر ظهوری در ظل آن ظهور داخل گردد و الا مرتفع میشود حکم ایمان از او و چگونه حکم اسمیت و صفتیت و نظر خداوند بر این است نه بر شئون ظاهریه چنانچه امروز دیده میشود که هر صفت حسنی در احرف الفیه هست ولی صفات ناریه امروز ذکر میگردد و اگر امروز در بیان نفسی مؤمن باشد بالله و آیاته اگر چه بر تراب نشسته باشد او است که بر سریر عزت نشسته و بر غیر او اگر در منتهی مقعد عز باشد عند الله و عند اولوالعلم در منتهای ذل بوده

و در نزد ظهور "من یظهره الله" هر مرد مؤمنی که مؤمن باو گردد لایق است که بر فؤاد او شمس مسمی طالع و اسمیت در کینونیت او متذوت گردد و هر نفس مؤمن در بیان عبد رق او بوده و هستند چنانچه اولوالهیا کل در قرآن عبد رق رسول الله - صلی الله علیه و اله - بوده و هستند بعد از برای عبد رقی که بر مولای خود غیر آنچه لازمه عبودیت است وارد آورد حال نظر کن و محزون شو و بین چقدر طوق عبودیت رقیه بر گردن انداخته و باین افتخار مینمایند و بر ظهور اشرف او در آخرت چگونه روا میدارند که امر بجائی رسیده که در



ORIGINAL



AUDIO

جبل ساکن گشته و کل بایمان باو مؤمن و بر نفس او باسم مؤمن او راضی نشده که اگر میشده این نوع واقع نمیکشته

این است که کل در بحر حجاب غرق و شمس در مرایا بضیاء او متحرک و از او محتجب و ماهیان دریا بآب زنده و سؤال از او نموده امروز کل مؤمنین بقرآن منتظر ظهور قائم آل محمد - صلی الله علیه - و از برای ظهور او تضرع و ابتهال و برؤیت او در رؤیاهای خود افتخار و او را بدست خود بسجن فرستاده و در جبل ساکن نموده این است معنی حدیث: "فیه سنه من یوسف یباع و یشتری"

ای اهل بیان پناه بمحبوب خود برده که طوق عبودیت او را بر اعناق خود داشته باشید و در حق او روا دانید آنچه که در حق خود که عبید رق او هستید روا ندانید نه این است که نشنیده باشید ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - را در قبل و احتجاب منتظرین باو بعد از ظهور او از او تا آنکه هفت سال و بروایتی نه سال واقع شد بر او آنچه واقع شد و باز فایده در حق شماها نکرده که اگر کرده بود در این ظهور

این نوع نمیشد از محبوب خود حیا نموده دیگر در ظهور "من یظهره الله" این نوع نکرده و اگر بر خود قرار دهید که بر هیچ نفسی نپسندید آنچه بر خود نمی پسندید از اولوالسلطنه گرفته تا اولوالزرع بیرون رود انشاء الله بر او حزنی وارد نخواهد آمد زیرا که شمس در مرایا شمس را نمیشناسند الا بشبح او در خود این است که او را می بینند یکی مثل خود و حال آنکه کل باو قائم است و از اثر جود او است خلق سموات و ارض و ما بینهما چنانچه احدی از دون حروف بیان گفته

و ان من جوده الدنيا و ضربتها و ان من علومه علم اللوح و القلم

و من من تبعیض است بلکه هر شیئی که اطلاق شیئیت بر او شود رشئه است از طمطام جود او و قطره است از ققام من او قدر او را در حین ظهور دانسته نه که در لیل و نهار در اماکن عز خود از برای او گریه کنید چنانچه امروز میکنید و او در جبل باشد و حزنی بر او وارد آید و بفضل وجود او شماها کل از حزن مبری شده باشید

فلتنظرن ان یا اولی الابصار ثم تنظرون.

